

معرفی یک متن فارسی

زادِ آخرت

از غزالی (۱) [۴۵۰ - ۵۵۵ ه. ق.]

قصهٔ برخورد به این کتاب: در حدود ۱۵ سال پیش از این مجموعه‌ای از رساله‌ها و کتابهای کوچک خطی به دستم افتاد که پس از آغاز مطالعه آنها در سمت راست پشت برگ اول یکی از رساله‌های مجموعه، که برگ ۶۴ آن است، فهرست گونه‌ای از محتویات مجموعه نظرم را جلب کرد و عنوان آن فهرست گونه‌چنین است: «رسائل التي في هذه الأوراق على هذه [كذا] التفصيل»

۱- در این جا به نوشتن زندگي نامه این متفکر بزرگ ایران و اسلام نمی پردازم و در آخر این گفتار قسمتی از مراجع زندگي نامه و آثار او را ذکر خواهم کرد. اما نسبت او در «انساب سمعانی» (ابو سعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی سمعانی - روزی ۵۶۲-۵۰۶ ه. ق.) نیست ولی ابو الحسن عزالدین ابن الاثیر (۶۳۰-۵۵۵ ه. ق.) در «اللباب فی تهذیب الانساب» و به پیروی او «سیوطی» (جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر ۹۱۱-۸۴۹ ه. ق.) در «لُبُّ اللُّبَابِ فی تحریر الانساب» «غزالی» (به تشدید زاء) و «غزالی» (به تخفیف زاء) هر دو را ضبط کرده اند و اگر شکل دوم را بپذیریم باید آن را به «غزاله» که یکی از قراء طوس بوده است منسوب دانست. «بویج» (Maurice Bouyges) در کتاب «Essai de Chronologie des oeuvres de Al - Ghazali» که در ۱۹۵۹ م. در بیروت بطبع رسیده و «عبدالرحمن بدوی»، در «مؤلفات الغزالی» هم «غزالی» (به تخفیف زاء) ضبط کرده اند. «مونت گمری وات» (W. Montgomey Watt) «غزالی» (به تخفیف زاء) را ترجیح می دهد و من هم «غزالی» (به تخفیف) را بهتر می دانم.

رساله محمد غزالی در اخلاق و آداب بخط میرداماد.

رساله ساز و پیرایه بابا افضل الدین کاشی^(۱).

چند برگ متفرقه.

رساله در جنگ و متفرقه.

رساله، خط مرحوم شفیعا، جنگ.

ایضاً رساله، نقل از ابواب الجنان.

چند برگ دیگر آخر خط میرداماد.

در سمت چپ پشت همین برگ، رقم ۶۴، به چشم می خورد، و چنانکه گفتیم رقم مزبور شماره برگ مجموعه است و در سمت چپ و زیر رقم مذکور با خطی که به احتمال بسیار قوی با خط متن رساله یکی است نوشته شده: «در تاریخ ۳ شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۰۱۴ جلوس مقدس مطابق سنه ۱۰۸۱ هجری شروع در نوشتن رساله نمود و در ششم شهر مزکور [کذا]، و شاید مزبور بوده است و سرکش زائد باشد و یا اینکه کاتب «مذکور» را به غلط با «زاء» نوشته است] به انجام رسانید اگر سهوی و غلطی شده معذور خواهد شد» و فهرست گونه و یادداشت مذکور را در عکس ش ۱ می بینید. با این یادداشت خط «میرداماد» معروف بودن رساله ظاهر آ منتفی است، چونکه «میرداماد» در سال ۱۰۴۱ ه. ق. در گذشته است (مگر بگوئیم «میرداماد» دیگری نیز بوده است که در سال ۱۰۸۱ ه. ق. و یا بعد از آن مرده باشد).

این رساله که از صفحه دوم برگ ۶۴ آغاز می شود به خط شکسته نستعلیق خاصی است، که نمونه آن را در عکس ش ۲ ملاحظه می کنید، و ظاهر آ در «هند» نوشته شده و به قطع ۱۱ x ۱۹ سم می باشد. سطرهای نوشته ها به شکل اریب است و ۶ x ۱۳ سم از سطح صفحه را به خود گرفته. رساله دارای سرلوح نسبتاً زیبا و همه بر گهای

۱- این رساله با خط نستعلیق دلکش است و دارای سرلوح زیبایی می باشد. و با خط رساله

مورد بحث فرق کلی دارد.

آن جدولهای زرین دارد و سرفصلهایش باشنگرفت نوشته شده است. پس از دقت در مجموعه و مخصوصاً رساله مورد بحث معلوم شد که این رساله ترجمه گونه‌ای است از کتاب «بداية الهداية» تألیف عالم و متفکر بزرگ ایران و اسلام یعنی امام حجة الإسلام «أبو حامد محمد غزالی» است که بوسیله خود او انجام شده. از پیدا شدن چنین رساله‌ای که بانثر بسیار شیوا و شیرین قرن پنجم ه. می باشد خوشحال شدم و چشم می داشتم که شاید روزی نسخه یا نسخه‌های دیگری از این رساله سودمند پیدا شود و برای این کار به کتابها و فهرستهائی که در دست داشتم رجوع کردم و نخستین کتابی که بدان توکل جستم کتاب مفید «غزالی نامه» تألیف استاد محترم «جلال همائی» بود که بدبختانه فایده‌ای از آن نبردم، چونکه در کتاب مزبور، چاپ اول ص ۲۲۷ س ۷، و در چاپ دوم عنوان: «زاد الآخرة» بدون هیچ توضیح و تعریفی آمده است و سپس بفهرست بسیار دقیق و سودمند «موریس بویج» که مؤلفات «غزالی» را بر حسب تاریخ تألیف آنها تنظیم کرده است (۱)، رجوع کردم نام این رساله در ص ۶۳ س ۱۴ متن کتاب «زاد الآخرة» ذکر شده است. و مرجع او «فهرست لیدن» تألیف Warn بوده و در حاشیه ۲ همان صفحه عنوان «زاد الآخرة» آمده است و تذکار داده شده که «جميل بك العظم» (۲) نگفته این رساله بفارسی است و ضمناً یاد آور شده که این نسخه «لیدن» نام مؤلف ندارد (چونکه اول آن افتاده است) و پس از آن (در سال ۱۹۶۴ م.) کتاب ارجمند و مفید و دقیق «مؤلفات الغزالی» تألیف «عبدالرحمن بدوی» بدستم رسید (۳) این

۱- این فهرست بزبان فرانسوی است و در سال ۱۹۵۹ م. در «بیروت» بطبع رسیده.

۲- این «جميل بك العظم» کتابی دارد به عنوان «عقود الجواهر فی تراجم من لهم خمسون تصنیفاً فمائة أو أكثر» که در سال ۱۳۲۶ ه. ق. فقط جلد اولش در ۳۳۴ صفحه منتشر شده است. وی «مؤلفات غزالی» را بر حسب حروف تهجی مرتب کرده است و عنوان «زاد الآخرة» در ص ۸ س ۱۵ مذکور می باشد.

۳- این کتاب تفسیر در سال ۱۹۶۱ م. در مصر چاپ شده است و در ص ۱۸۸ آن رساله مورد بحث به عنوان «زاد الآخرة» مذکور است و نسخه «لیدن» را که در سال ۸۱۱ ه. ق. نوشته شده است معرفی ←

دانشمند قسمتی از آغاز نسخه «لیدن» را، که به قول او در سال ۸۱۱ ه. ق. نوشته شده است، (یعنی از آغاز نسخه مزبور پس از سقطی که دارد) و برای معرفی کتاب مفید فائده است نقل کرده و آنرا عبری هم ترجمه نموده عکس نسخه «لیدن» را در دست دارم و نمونه خط آن را در عکس ش ۳ می بینید. و در همین اوقات مقبدری کتابهای خطی به کتابخانه مجلس شورای ملی برای فروش عرضه شد که نسخه ای از این رساله نیز در ضمن آنها بود که فعلاً بشماره $\frac{66886}{6233}$ و ۶۷۶۰ فن در کتابخانه مزبور محفوظ می باشد. این نسخه تاریخ ندارد و شاید از سده ۱۱ یا ۱۲ ه. باشد و مشتمل است بر ۱۲۶ صفحه به قطع $9 \times 16/5$ سم و بخط نستعلیق خواناست و عکس ش ۴ نمونه آن است. سپس فهرست کتابهای خطی افغانستان از «دوبر کوی» (۱) به دستم رسید، در صفحه ۲۸۷ س ۱۱ در ضمن معرفی مجموعه شماره ۳۹ که به قطع 16×26 سم است و در هر صفحه ۲۵ سطر کتابت دارد، در قسمت ۱۱ عنوان «زاد الاخرة» آمده است و یاد شده که از ص ۲۸۲ تا ص ۲۸۹ مجموعه را به خود گرفته. مؤلف گوید این مجموعه تاریخ ندارد و متذکر شده که این رساله ناتمام است و چنین می نماید که این ۱۴ صفحه قسمتی از زاد آخرت باشد. و من باز از جستجو نشستم (و هنوز هم نشسته ام) و از دوستان فاضل پیوسته در این باب پرسش می کردم و اکنون هم می کنم و یکی از کسانی که از او پرسش کردم دوست فاضلم آقای دکتر امین ریاحی است که اطلاعات مذکور در ذیل را از ایشان استفاده کرده ام:

۱- در «توپ قاپوسرای» در شماره ۵۲۰ از مجموعه «روان کشکو» نسخه ای از

این کتاب عزیز به عنوان «زاد الاخرة» در قسمتی که ۸۹ ورق است و به قطع 13×17

بقیه پاورقی صفحه قبل

کرده و به مقاله «لوژیبه دوبر کوی» که در باره نسخه های خطی کتابخانه ریاست مطبوعات کابل است و در نشریه Mideo شماره ۳ ص ۱۴۰ سال ۱۹۵۶ م. مندرج می باشد، نیز ارجاع داده است.

1- Manuscrits d' Afghanistan, par S. de Laugier de Beaurecueil,
O. P.

سم موجود می باشد که ۲۳ ورق از آن ۸۹ ورق را به خود گرفته است و در سال ۵۹۰۱ ق. بدست «عبدالله هروی» استنساخ شده و آغاز آن چنین است: «بدان ای غافل مسکین که تو مسافری ...» بنابراین نام «غزالی» در این نسخه هم وجود ندارد.

۲- در مجموعه شماره ۴۷۹۲ کتابخانه ایا صوفیه، در استانبول، نیز این رساله موجود است و جناب آقای دکتر ریاحی می گوید شاید خلاصه ای از این رساله باشد.

۳- شماره ۳۳۶۹ کتابخانه سلطنتی سابق برلین که باید آنرا نسخه «توبنگن» نامید (به نقل از مقاله دکتر سیف الدین نجم آبادی، در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران سال ۷ ش ۳ ص ۸۶).

رساله مزبور و موضوع آن - این رساله ترجمه یا ترجمه گونه ای است به فارسی از «بداية الهداية» و مطالبی کلام مانند بر آن افزوده شده و این «بداية الهداية» دارای مطالبی فقهی و اخلاقی و عرفانی می باشد «سر کیس» در «معجم المطبوعات» کتاب را «بداية الهداية و تهذيب النفوس بالآداب الشرعية» نامیده است و موضوع آن را تصوف ذکر کرده ولی این سخن او درست نیست و این رساله تصوف محض نمی باشد و جنبه دینی آن بر تصوفش می چربد. این کتاب مستقلاً و یا در حاشیه دیگر رسالات «غزالی» و با شرح و تعلیق بیش از ۱۵ بار به چاپ رسیده است و خلاصه هائی هم از آن منتشر شده. «بداية الهداية» توسط «مونتگمری وات» به انگلیسی ترجمه شده است و در سال ۱۹۵۳ م در «لندن» منتشر گردیده و توسط هل (J. Hell) به آلمانی نیز برگردانده شده است و در سال ۱۹۱۵ م. و سپس در سال ۱۹۲۳ م. چاپ شده. و «ادوارد فندیک» در «اكتفاء القنوع بما هو مطبوع»، در ص ۱۶۵ و ص ۴۹۹، کتاب را نام برده است و در فهرست کتاب، ص ۵۴۱، موضوع آن را توحید و مواعظ و عادات و عبادات ذکر کرده. «محمد بن عمر نووی جاوی» یکی از علمای قرن ۸ ه. شرحی بر «بداية» نوشته است و آن را «مراقی العبودية» نامیده. کتاب «بداية الهداية» از کتابهای بسیار پر مغز و پخته و از تصنیفهای اواخر عمر «غزالی» است چونکه

بنابر اقوال معتبر کسانی که زندگی نامه این بزرگ مرد را نوشته اند «غزالی» کتاب
 ارجمند «إحياء العلوم» را در سال ۵۴۹۰ ه. ق. در «دمشق» تألیف کرده است و سپس در
 همان اوان «کیمیای سعادت» را که ترجمه گونه و تلخیص و تحریری از «إحياء» است
 ساخته و پرداخته و در «بداية الهداية» از «إحياء» و در «زادِ آخرت» که ترجمه آن
 است نیز از «إحياء» و «کیمیای سعادت» بسیار سخن به میان می آید و در باره
 «زادِ آخرت» بطور بسیار خلاصه مطالب مذکور در ذیل را میتوان گفت:

۱- چنانکه از سخن خود «غزالی» در مقدمه رساله بر می آید «زادِ آخرت»
 تحریر گونه ای است به فارسی مطالب «بداية» را آنجا که گوید: «پس ما این کتاب
 مختصر تصنیف کردیم و وی را «زادِ آخرت» نام نهادیم بسبب آنکه گروهی از اهل
 دین درخواستند برای قومی از عوام که ایشان را قوت آن نبود که به کتاب «کیمیای
 سعادت» رسند لیکن آن قدر که در کتاب «بداية هداية» گفته ایم به تازی ایشان را
 کفایت بود [خواستند] تا پارسی کتاب «بداية» بشناسند و زاد تقوی بدان بدانند...»
 ۲- مترجم فصلی و بلکه فصولی کلام گونه بر اصل کتاب «بداية الهداية» افزوده
 است چنانکه خود او هم در قسمتی از مقدمه گوید: «پس زاد و بدرقه آخرت علم
 و عمل است یعنی ایمان و تقوی پس ما این کتاب مختصر تصنیف کردیم و وی را
 «زادِ آخرت» نام نهادیم... و نخواستیم که این کتاب از فایده نو خالی بود و اعتقادی
 که ایمان بدان درست شود در این کتاب بیاوردیم تا جامع بود میان علم و عمل
 و ایمان و تقوی و تمامی زادِ آخرت بدان حاصل آمد امیدواریم که هر که این
 کتاب بر خواند نویسنده را از خدای عزوجل آمرزش خواهد آنه ولی الإجابة
 لدعاء المسلمین».

۳- به نثر فارسی روان و بدون تکلف نوشته شده است و بعضی از قسمتهای
 آن را می توان از نثرهای بسیار خوب قرن پنجم و حتی زبان فارسی دانست.
 ۴- نثر آن با «کیمیای سعادت» و «نصيحة الملوك» و حتی «سفرنامه ناصر خسرو»،
 در بعضی موارد، قابل مقایسه است و شاید در بعضی جاها بر «کیمیای سعادت»

برتری دارد .

۵- در بسیاری از موارد چنان خوب ترجمه شده است و مطلب بیان گردیده که می توان گفت از شاهکارهای ترجمه است و روح ترجمه کمتر در آن نمایان می باشد .

۶- در اواخر کتاب «بداية»، در قسمت آداب الصَّحبة، ۱۸ بیت شعر در جاهای مختلف ذکر شده است که ۷ بیت از آنها، در دو مورد، از اشعار منسوب به أمير المؤمنين «علی بن ابي طالب» می باشد، و دو بیت از آنها، در يك مورد، از «ابن معرُوف» (۱) و چهار بیت، در دو مورد، بدون ذکر نام گوینده و ۷ بیت از آنها، در يك مورد، از «هلال بن العلاء» است، که در «زادِ آخِرَت»، در مقابل پنج بیت از اشعار منسوب به «امير المؤمنين» فقط دو بیت فارسی آمده است، که بعدها مطلبی درباره آنها ذکر خواهد شد، و از جهت معنی به اشعار عربی «بداية» شباهت کامل دارد و از اشعاری که در موارد دیگر ذکر گردیده است و با ترجمه آنها خبری نیست .

۷- در «زادِ آخِرَت» راویان بعضی از حدیثها، مانند «أبو هريرة»، گاهی حذف شده است. حال قسمتی از مقدمه رساله را که نام «غزالی» را نیز در بر دارد، و اوائل آن به عربی است، و بعضی از قسمتهای دیگر رساله را، که سودمندی نماید در این جا نقل می کنم :

رتال جامع علوم انسانی

«الحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد سيد المرسلين وآله أجمعين
قال الشيخ الإمام السعيد حجة الإسلام «أبو حامد محمد بن محمد بن محمد الغزالي»:
الحمد لله رب العالمين والصلوة على رسوله محمد المصطفى وآله أجمعين ورضي

۱- «أبو محمد عبدين الله»، وبقول «ثعالبي»، در «يتيمة الدهر»، عبدالله، بن أحمد بن معرُوف (۳۸۱ - ۴۳۰ هـ. ق.) از بزرگان بغداد در قرن چهارم هـ. است. وی قاضی القضاة بغداد و ادیب و شاعر و ظریف بود. «صاحب بن عباد» (متوفی در ۳۸۵ هـ. ق.) می گفت دوست دارم به بغداد بروم که جرأت «محمد بن عمر علوی» و تنسک «أبو أحمد موسوی» و ظرف «أبو محمد بن معرُوف» را ببینم .

الله عَنَّا وَعَنْكُمْ وَعَنْ جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ .

بدان ای غافل مسکین که تو مسافری و از راه و زادِ راه و از بادیه که براه داری غافلی و منزلگاهِ اوّل تو در این بادیه پشتِ پدراست پس رحمِ مادر پس فضای این عالم پس گورستان، پس لُحْد و چون به لُحْد رسیدی بسربادیه رسیدی هیچ آفریده نهایت آن نشناخته و چون بادیه گذاشتی به منزل پنجم رسیدی و آن صحرای قیامت است و از آن منزلگاه روی به وطن و قرارگاه خویش آوری یا به بهشت یا به دوزخ. حال اوّل و آخر تو اینست و تو در این دنیا بهمین بازنشسته‌ای و همه دل در تدبیر وی بسته‌گویی که هر گز از وی رحیل نخواهی کرد و نمیدانی که عمر تو اگر چه در ازباز کشد به اِضَافَتِ به اُزَل و اَبَد مختصر است و اُزَل آن مَدَّتِی است که تو نبودی و آنرا اوّل نه و اَبَد آن مَدَّتِی است که تو در دنیا نخواهی بود و آنرا آخر نه و تو در این عالم روزی چند در میان اُزَل و اَبَد چندین کار بر ساخته‌ای...»

در فصل «ادب متعلم با استاد» چنین آورده است:

«ادب متعلم با استاد آن بُود که سلام ابتدا کند و در پیش وی سخن کمتر گوید و سخن نگوید و مسأله نپرسد تا اوّل دستوری نخواهد و چون جواب دهد اِعتراضی نکند و نگوید که فلان کس خلاف این گفته است. و نگوید که خلاف این صواب تر است و در پیش او با هیچ کس راز نگوید و چشم در پیش دارد و اگر سخن میگوید چشم بر روی می‌دارد و از هر جانبی ننگرد ولیکن به حرمت بنشیند چنانکه در نماز نشیند...»

در قسمت «آداب برادران و دوستان» گوید:

«و باید که با کسی برادری و دوستی نکنی تا شرط دوستی در وی نبینی. با مردم بد دوستی نباید که رسول صلی الله علیه و سلم می فرماید که هر کس بر دین دوست خویشند. گوش داری تا دوستی با که میکنی که چون دوستی خواهی گرفت باید که پنج خصلت در وی موجود باشد:

اوّل، عقل که در صحبت احمق هیچ خیر نبود و عاقبت وحشت و قَطِيعَت بود

و نیکوتر اعمال اُحْمَقِ آن بُود که خواهد نیکویی بتورساند کاری کند که ترا زیان دارد و وی نداند بلکه گفته اند که دشمن عاقل بهتر از دوست اُحْمَقِ،

دوستی با مردم دانا نکوست دشمن دانا به از نادان دوست
دشمن دانا نیاز دارد ترا بس بیازارد تر نادان دوست (۱)

رساله «زادِ آخرت» بر اساس نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی، به تصویر اینکه نسخه منحصر بفرد است (۲) توسط آقای «مراد اورنگ» در ۱۲۶ صفحه، که ۶۵ صفحه آن متن است و بقیه توضیحات و «برخی واژه‌ها» و فهرست گفتارها و غلط‌نامه (بقول مصحح رساله: لغزش)، در اردیبهشت ماه ۱۳۵۲ خورشیدی در تهران به چاپ رسیده است ولی چون مصحح محترم بیش از یک نسخه از این رساله در دست نداشته است موارد بسیاری که در نسخه مزبور درست نبوده و یا بد خوانده شده در این چاپ دیده می‌شود.

بسیاری از توضیحات مصحح که بیشتر درباره تعیین جاهای آیه‌های «قرآن» و استخراج احادیث می‌باشد مفید است. تطبیق و مقایسه برخی از عبارتهای «زادِ آخرت» که مبهم می‌نموده، با «کیمیای سعادت» و «پای ترجمه احیاء العلوم» که در این اثر بسیار به چشم می‌خورد، کاری از جمنده است.

-
- ۱- این دوبیت در نسخه مجلس نیز آمده است و در نسخه «لیدن» نیست، چونکه قسمت آخر آن افتاده و اگر این دوبیت از خود «غزالی» است باید پیش از سال ۵۰۵ ه.ق. سروده شده باشد و اگر گوینده آن متأخر بر «غزالی» باشد باید گفت ناسخ آنها را مطابق ذوق خود بر مطالب رساله افزوده است. بیت اول این دوبیت در کتاب «أمثال و حکم» تألیف مرحوم «دهخدا»، ج ۲ ص ۸۳۷، ذکر شده است و به «مولوی» نسبت داده شده و در «مثنوی» طبع مرحوم معرفت، دفتر ثانی ص ۱۴۵ س ۱۷، نیز مذکور است ولی در «مثنوی» طبع «نیکلسن» وجود ندارد و بیت دوم باختلاف بسیار نیز در «أمثال و حکم» آمده است و ظاهر آن به «نظامی» نسبت داده شده ولی به شکل مذکور در «زادِ آخرت» در «کنجینه گنجوی» و جاهای دیگر دیده نشد.
- ۲- «زادِ آخرت» چاپی صفحه «ث» از مقدمه مصحح.

مراجع زندگی نامه غزالی

درباره زندگی نامه این دانشمند جلیل القدر از روزگار پیشین تا کنون، به زبانهای مختلف، علاوه بر آنچه در کتابهای تاریخ و رجال آورده اند، کتابها و مقاله ها نوشته اند که در این جا برخی از آنها، بویژه آنچه از قدماست، جز دایرة المعارف اسلامی که مطالبش از معاصران می باشد؛ یادآوری می شود.

۱- دائرة المعارف اسلامی.

۲- «شذرات الذهب فی أخبار من ذهب» از ابن عماد حنبلی (متوفی در سال

۱۰۸۹ هـ. ق.) .

۳- «طبقات الشافعیة الكبرى» از «سُبکی» (متوفی در سال ۷۷۱ هـ. ق.)، طبع

قاهرة در سال ۱۳۲۴ هـ. ق.

۴- غزالی نامه از استاد «جلال همائی» .

۵- «مفتاح السعادة» از «طاش کبری زاده» (متوفی در سال ۹۶۱ هـ. ق.) .

۶- الوافی بالوفیات از صمدی (متوفی در سال ۷۶۴ هـ. ق.) ج ۱ .

۷- وفیات الأعیان، از ابن خلیکان (متوفی در سال ۶۸۱ هـ. ق.) .

مراجع آثار غزالی

برای اطلاع بیشتر از آثار غزالی، علاوه بر آنچه از مراجع زندگی نامه او به دست می آید به مراجع مذکور کور کور ذیل نیز می توان رجوع کرد:

۱- آثار غزالی، بر حسب تاریخ تألیف آنها، که از تألیفات «بویج» است و به زبان فرانسوی می باشد.

۲- «اكتفاء القنوع بما هو مطبوع»، تألیف «فاندیک». (طبع مصر ۱۳۱۳ هـ. ق.)

۳- تاریخ ادب عرب از پرو کلمن (که به زبان آلمانی است).

C. Brookelmann, Geschichte der arabischen Litteratur

۴- «عقود الجواهر فی تراجم من لهم خمسون تصنیفا فمائة فأكثر»، تألیف

«جمیل بك العظم»، جلد اول، که در ۱۳۲۶ هـ. ق. در بیروت چاپ شده است .

۵- «غزالی نامه» تألیف استاد «جلال همائی» .

۶- «كشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون»، از «حاجی خلیفه» (متوفی در

سال ۱۰۶۱ ه. ق)

۷- «معجم المطبوعات»، از «یوسف الیان سرکیس» . و آن مشتمل بر نام

کتابهای چاپ شده عربی است در شرق و غرب از زمان اختراع چاپ تا سال ۱۹۱۹ م .

(= ۱۳۳۹ ه. ق.) و این کتاب مختصری از زندگی نامه مؤلفان را نیز دربردارد ،

طبع مصر ۱۹۲۸ م .

۸- «مؤلفات الغزالی» از «عبدالرحمن بدوی»، که در سال ۱۹۶۱ م. در مصر

چاپ شده است.

۹- بیشتر فهرستهای کتابهای خطی و چاپی کتابخانه‌ها از قبیل: فهرست

کتابخانه آستانه قدس رضوی، در ۷ مجلد، فهرستهای کتابخانه مجلس شورای

ملی، فهرستهای مدرسه عالی سپهسالار، فهرستهای کتابخانه ملی ملک، فهرستهای

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و فهرستهای نسخ خطی و چاپی کتابخانه های

جهان از قبیل کتابخانه های ترکیه و انگلستان و فرانسه و آلمان و امریکا و روسیه

و غیره و غیره

۱۰- مقدمه «مؤلفات الغزالی» از «بدوی» ص ۲۶ تا ص ۴۷ .

11 - Montgomery Watt (W.):

The Authenticity of the works attributed to al - Ghazali, in
JRAS, 1952, PP 24 - 45

عبدالله بن محمد
 در این کتاب
 در این کتاب
 در این کتاب
 در این کتاب

۸۱
 در این کتاب
 در این کتاب
 در این کتاب
 در این کتاب

ما محمود جهان سخن در همه جهان کویست
 ما بی در جهان با در جهان بوز اعیانست
 حقیقت لکن آن بد در راه فقر و خواریست
 سبب نیست باید طریقت با ما سبب خواریست
 در آن زندگیشانان در این دنیا سبب خواریست
 حواشین جمله دیدیم ز سبب خواریست
 بدل کفتم جویج کز باید سبب خواریست
 اگر خواهر از آن در باید سبب خواریست
 سبب خواریست

چنانست و همیشه بعه است که هستی ویرا ابتدائیت و همیشه باشد
 که وجود ویرا آفرینیت و وجود وی در ازل و ابد واجبست
 که نیستی را بوی زاه نیست هستی خودش بذات خودش
 که وی بی هیچ چیز نیاز نیست و هیچ چیز از وی نی نیاز نیست بلکه
 قوام وی بذات خودش و قیام همه چیز با بوی است و معنی
 قیوم اینست تنزیه وی در ذات خود جوهر نیست و عرض
 نیست و ویرا در هیچ کلبه فرو آمدن نیست و با هیچ چیز ماننا
 نیست و هیچ چیز مانند وی نیست و وی را صورت نیست
 و جذبی و جکونگی را بوی راه نیست و هر چه در خیال آید
 و در خاطر نگردد از کمیت و کیفیت از همه باک است که آن
 همه صفات آفریدگانست و وی بصفت هیچ آفریده نیست
 بلکه هر چه در وهم و صورت و خیال کند وی آفریدگار
 اینست و ضروری و بزرگ و مقدر را بوی راه نیست که این
 صفات اجسام عالمست و وی جسم نیست و ویرا با هیچ چیز
 پیوند نیست و بوجای نیست و در جای نیست بلکه خود
 اصلا جایی گیر و جایی بدین نیست و درجه در عالمست همه زیر
 عرش است و عرش زیر قدرت وی مستخرست
 و وی فوق عرش است نه چنانکه جسمی فوق صبیع باشد
 لا بد وی جسم نیست حامل و بردارند و نیست بلکه عرش
 و حله عرش برداشته لطف و قدرت و بزرگی و امروز
 همه بدان صفت است که در ازل بعه و همیشه از آنکه عرش

